



Studies on Understanding Hadith

P-ISSN: 2588-3895

E-ISSN: 2588-4417



DOI:10.30479/mfh.2024.19168.2285

Analyzing the Criteria for Recognizing Fake Hadith and Ways to Deal with it From the Point of View of Imam Reza (AS)

Ruhollah Mohammadi¹

Abstract

one of the most important disasters of hadith as the second source of understanding of religion, which was sometimes formed by hypocrites and sometimes unwise friends, is the phenomenon of falsification in the history of hadith, which the Prophet (pbuh) also warned against and the Shia imams (pbuh) also in this regard. They tried their best and fought against the phenomenon of forgery in their references and discussions and called their friends to try in this way. Imam Reza (a.s.) also, inspired by the method of his fathers, fought against the status quo and the slanderers in different ways. This research tries to answer this question by descriptive-analytical method and using written sources, what are the criteria of Imam Reza (a.s.) to know the hadith of the subject and how did he deal with the phenomenon of forgery? The results indicate that, according to Imam Reza (a.s.), the opposition of hadith to the Qur'an, the definite tradition of the Prophet (pbuh) and other imams, the opposition of hadith to reason, religious truths and facts, and the absence of truth and clarity in words are among the most important signs. It is considered as a situation. For this reason, it is recommended to know the hadith of the infallible (pbuh); fight with the avengers; Facing exaggerated thoughts; The tradition of presenting hadith; Accuracy in obtaining the sources of hadith and setting up debate circles is considered one of the most important fighting methods of Imam Reza (a.s.) in refining hadiths.

Keywords

Forgery of hadith, forgers, criteria for identifying fake hadith, criticism of hadith, Imam Reza (a.s.)

Article Type: Research

1. Assistant Professor of Quranic Sciences and Education University, Faculty of Quranic Sciences, Shahrood, Iran. Email: r.mohammadi@quran.ac.ir

Received on: 13/08/2023 Accepted on: 12/09/2023

Copyright © 2024, Mohammadi

Publisher: Imam Khomeini International University.





شماره چاپی: ۲۵۸۸-۲۸۹۵
شماره مجله: ۲۵۸۸-۴۴۱۷

مطالعات فقه حدیث



DOI:10.30479/mfh.2024.19168.2285

واکاوی معیارهای شناخت حدیث موضوع و راه‌های مقابله با آن از منظر امام رضا (ع)
روح‌الله محمدی^۱

چکیده

یکی از مهمترین آفات حدیث به عنوان دومین منبع فهم دین که گاه از سوی منافقان و گاه دوستان نابخرد شکل گرفت، پدیده وضع و جعل در تاریخ حدیث است که پیامبر (ص) نیز به آن هشدار داد و ائمه (ع) شیعه نیز در این زمینه کوشیدند و در مراجعات و گفتگوهای خود با پدیده جعل مبارزه نمودند و یاران خود را به تلاش در این راه فراخوانده‌اند. امام رضا (ع) نیز با تاسی از روش پدران خویش، به شیوه‌های مختلف به مبارزه با وضع و واضعان و برخورد فعال و نقادانه با حدیث پرداختند. این پژوهش به روش توصیفی-تحلیلی و با استفاده از منابع مکتوب درصدد پاسخ‌گویی به این پرسش است که معیارهایی امام رضا (ع) جهت شناخت حدیث موضوع کدامند و شیوه‌های مقابله حضرت با پدیده جعل چگونه بوده است؟ نتایج حاکی از آن است که از نظر امام رضا (ع) مخالفت حدیث با قرآن، سنت قطعی پیامبر (ص) و منقولات ائمه دیگر، مخالفت حدیث با عقل، مسلمات دینی و واقعیات و خالی بودن کلام از حقیقت و نورانیت و نقل حدیث از منابع نامعتبر و راویان غیر موثق از مهمترین نشانه‌های وضع به شمار می‌رود. بر این اساس، برپایی حلقه‌ها و جلسات حدیثی و مناظره؛ مبارزه با قصاصان؛ رویارویی با تفکرات غلوآمیز؛ سنت عرضه حدیث؛ دقت در اخذ منبع حدیث و برپایی حلقه‌های مناظراتی، مقابله با تحریف احادیث، از مهمترین شیوه‌های مقابله امام رضا (ع) در پالایش روایات به‌شمار می‌رود.

کلیدواژه‌ها

وضع حدیث، واضعان، معیارهای شناخت حدیث موضوع، نقدالحدیث، امام رضا (ع).

نوع مقاله: پژوهشی

۱. استادیار دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، دانشکده علوم قرآنی شاهرود، ایران. r.mohammadi@quran.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۵/۲۱ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۶/۲۱



ناشر: دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)

۱. طرح مسأله

«وضع» در لغت به معنی فرو نهادن و پایین آوردن (ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ۶: ۱۱۷؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ۸۷۴)، گذاشتن مثل گذاشتن بار بر زمین (الحج: ۲) و به معنای ایجاد و خلق (قرشی بنایی، ۱۴۱۲ق، ۷: ۲۲۴)، ساختن، قرار دادن، نهادن، وضع کردن، زشتی را نیکو گردانیدن، مبدل ساختن و دیگرگون کردن (معین، ۱۳۸۳ش، ۱: ۱۲۳۱؛ جعفری لنگرودی، ۱۳۸۸ش، ۲: ۱۵۵۵-۱۵۵۴) آمده است، «وضع در حدیث» یعنی راوی خبری را برساخته و جعل کند و آن را به معصومان (ع) نسبت دهد (بستانی و مهیار، ۱۳۷۵ش، ۹۸۸). شهیدثانی حدیث موضوع را با عبارت «هُوَ الْمَكْذُوبُ الْمُخْتَلَقُ الْمَصْنُوعُ» (۱۴۰۸ق، ۱۵۲) تعریف کرده است که به معنای نسبت داده شده دروغین و ساختگی است.

از پدیده‌هایی که به دست دشمنان منافق و گاه دوستان نابخرد، در عرصه حدیث از همان آغازین سال‌های ظهور اسلام در جامعه اسلامی شکل گرفت و به تدریج گسترش یافت، وضع حدیث بود که پیامبر (ص) از آن شکوه کرد و مردم را به عقب‌نشینی هشدار داد. چنان‌که در روایت آمده است: «أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ كَثُرَتْ عَلَيَّ الْكُذَّابَةُ فَمَنْ كَذَبَ عَلَيَّ مُتَعَمِّدًا فَلْيَتَّبِعُوا مَقْعَدَهُ مِنَ النَّارِ» (هلالی، ۱۴۰۵ق، ۲: ۶۲۱؛ نیز ر.ک: کلینی، ۱۴۰۷ق، ۱: ۶۲؛ همچنین با اندک اختلاف ر.ک: طبری آملی، ۱۴۱۵ق، ۲۳۲). این پدیده با انگیزه‌ها و دواعی گوناگون با درگذشت پیامبر (ص) شدت گرفت و با فرمان «منع کتابت و نشر حدیث» بیشترین بهره را برد و در زمان معاویه به اوج خود رسید. این حرکت به تدریج در طول یک سده آن چنان نهادینه گردید که دیگر حتی لغو فرمان «منع» نیز نتوانست آن را از حرکت باز دارد (ر.ک: مسعودی، ۱۳۸۹ش، ۳۲-۳۷) و با گسترش اکاذیب و حدیث‌سازی توسط عالم‌نماهای بی‌تقوا تبدیل به گفتمان عمومی در جامعه شد و دستاویزی برای قصاصان و افسانه‌سرایان گردید و با راه یافتن احادیث مجهول و اسرانیات به مجموعه‌های حدیثی اهل سنت زمینه آلودگی احادیث فراهم گردید (ر.ک: پاینده، ۱۳۸۲ش، ۱۳۲).

البته درباره شیعه نیز چنین اتفاقی افتاد. چنان‌که امام صادق (ع) فرموده‌اند: «در زمان هر یک از ما [ائمه معصوم (ع)] کسانی وجود دارند که سخنان دروغ را ساخته و آن را از زبان ما روایت می‌کنند» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ۲: ۲۱۷). بنابراین، هیچ تردیدی درباره این‌که تعدادی احادیث غیر صحیح در میان روایات و کتب روایی وارد شده، وجود ندارد؛ اما باید توجه داشت که تعداد این احادیث بسیار اندک است. زیرا برخلاف نظر برخی

که گفته‌اند چون حدیث حدود یک قرن نگاشته نشد و راویان می‌توانستند هر سخنی را به جای حدیث عرضه کنند (ر.ک: سباعی، ۱۴۱۹ق، ۱: ۹۲؛ ضیاء العمری، ۱۹۷۲م، ۱: ۱۰)، بحث نقد حدیث هم‌زمان با جعل روایات در عصر رسول خدا (ص) آغاز گردید و پس از آن نیز ائمه معصوم (ع) با تاسی از آن حضرت به مقابله با آن پرداخته‌اند.

از این‌رو، با نگاهی گذرا به کتب روایی به آسانی می‌توان پی برد افرادی به دوایع و انگیزه‌های گوناگون دست به وضع و جعل حدیث زده و مطالب ناروایی را به رسول خدا (ص) و ائمه معصومین (ع) نسبت داده‌اند، رسول گرامی اسلام در زمان حیات نورانی خویش، خطر دروغ‌پردازی را متذکر گردید (ر.ک: احمد بن حنبل، بی‌تا، ۱: ۷۸؛ صدوق، ۱۴۱۳ق، ۴: ۳۶۴؛ طوسی، ۱۴۱۴ق، ۲۲۷؛ ابن‌ادریس حلی، ۱۴۱۰ق، ۲: ۱۵۴) و پس از آن نیز ائمه معصوم (ع) ملاک‌های کلی را برای بررسی و شناخت حدیث صحیح از ناصحیح تعلیم می‌دادند و مقام تعلیم تا بدانجا پیش رفتند که خود شخصاً به تنقیح روایات پرداختند و شاگردانشان را به پیروی فراخواندند (ر.ک: کشی، ۱۴۰۹ق، ۲۲۴؛ مجلسی، ۱۴۱۴ق، ۶: ۵۴۶؛ همو، ۱۴۰۳ق، ۲: ۲۴۹).

براین‌اساس، دانشمندان و حدیث‌پژوهان، به منظور جلوگیری از اشاعه دروغ و خرافه در مجموعه‌های حدیثی به بررسی احادیث و شناسایی احادیث موضوع پرداخته و به برشمردن مصادیق آن اقدام کرده‌اند. درباره پیشینه معیارهای شناخت احادیث موضوع، به شکل عام می‌توان به کتاب‌هایی چون: «اللئالی المصنوعه» اثر جلال‌الدین سیوطی؛ «الموضوعات» (۱۳۸۶-۱۳۸۸ق) نوشته سبط ابن جوزی؛ «الغدیر» (۱۳۷۲ق) نوشته علامه عبدالحسین امینی که در بخشی از جلد پنجم آن به بحث پیرامون احادیث مجعول و موضوع می‌پردازد؛ «الموضوعات فی الآثار و الأخبار» (۱۹۷۳م) تألیف هاشم معروف حسنی؛ «الوضع فی الحدیث» (۱۴۰۱ق) نوشته عمر فالّاته؛ «موسوعة الأحادیث و الآثار الضعیفة و الموضوعة» (۱۴۱۹ق) از علی حسن علی حلبی و همکاران؛ «الآخبار الدخیلة» (۱۳۶۹ق) از محمد تقی شوشتری؛ «الرسائل العشر فی الأحادیث الموضوعة فی کتب السنة» (۱۴۲۸ق) از سید علی حسینی میلانی؛ «اصول نقد الحدیث؛ دراسة تحلیلة حول متن الحدیث» (۱۳۹۷ق) نوشته محمد حسن ربانی بیرجندی که به بیان اصول و قواعد نقد متن حدیث و تحلیل برخی از روایات موضوعه پرداخته است. مقالاتی نیز با موضوعات خاص این مسأله را بررسی کرده‌اند. مثلاً مهدی مهریزی (۱۳۷۵ش) در مقاله «درآمدی بر شیوه‌های ارزیابی اسناد حدیث»؛ شادی نفیسی (۱۳۷۸ش) در مقاله «معیارهای شناخت احادیث موضوع در الآخبار الدخیله» به روش نقد علامه محمد تقی

تستری اشاره می‌کند؛ نیز مهدی اکبرنژاد (۱۳۹۶ش) در مقاله‌ای با عنوان «امام رضا (ع) و جاعلان حدیث» به بررسی و تحلیل بسترهای جعل حدیث در زمان امام رضا (ع)، و موضع آن حضرت در قبال این مسئله می‌پردازد. البته جهت‌گیری این نوشته با پژوهش حاضر تا حد زیادی متفاوت است. بدان دلیل که قسمت اعظم مقاله ایشان به بررسی و تحلیل بسترهای جعل حدیث در زمان امام رضا (ع) می‌پردازد و مواردی چون پیدایش جریانات و نحله‌های فکری گوناگون، اندیشه‌های غالبانه، مخالفت با امامان (ع) و قدرت‌طلبی بیش از حد بنی‌عباس، را از مهم‌ترین عوامل جعل حدیث در زمان امام رضا (ع) می‌شمارد. از این منظر سمت و سوی آن مقاله با این نوشته کاملاً متفاوت است. از این جهت، پژوهش حاضر در نوع خود، دارای نوآوری است. از این‌رو، این نوشتار با تکیه بر سیره امام رضا (ع) در پی پاسخ به این پرسش است که معیارهایی امام رضا (ع) جهت شناخت حدیث موضوع کدامند و با چه شیوه‌هایی به مقابله با پدیده جعل پرداخته است؟

۲. معیارها و نشانه‌های وضع

در بیانات امام رضا (ع) معیارها و نشانه‌هایی برای شناخت احادیث ساختگی بیان شده است که مهمترین آن‌ها عبارتند از:

۲-۱. مخالفت حدیث با قرآن

از آن‌جا که قرآن محکم‌ترین سند مکتوب مسلمانان است که بدون تحریف به دست ما رسیده است، ملاک اعتبار و سنجش است که باید صحت و سقم حدیث را با آن سنجید. بنابراین سخن مخالف با قرآن از اعتبار ساقط است و حجیت نمی‌یابد.

از حسن بن جهم روایت شده است که به امام رضا (ع) عرض کردم احادیث مختلفی از شما به ما می‌رسد، فرمود: «مَا جَاءَكَ عَنَّا فَقِسْهُ عَلَى كِتَابِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَ أَحَادِيثِنَا فَإِنْ كَانَ يَشْبَهُهُمَا فَهُوَ مِنَّا وَإِنْ لَمْ يَشْبَهُهُمَا فَلَيْسَ مِنَّا...» (طبرسی، ۱۴۰۳ق، ۲: ۳۵۷؛ حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ۲۷: ۱۲۱)؛ آنچه که از ناحیه‌ی ما به تو می‌رسد، آن را با کتاب خدا و احادیث ما مقایسه کن؛ پس اگر شبیه آن‌ها بود، از ناحیه ما است و اگر شبیه آن‌ها نبود؛ پس از ما نیست.

همچنین در روایت دیگری از یونس بن عبدالرحمن آمده است: «من به عراق رفتم. عده‌ای از شاگردان امام باقر و امام صادق (ع) را دیدم و از آن‌ها روایات زیادی را شنیدم و

کتاب‌های آن‌ها را از آن‌ها امانت گرفتیم و بعد خدمت امام رضا (ع) رسیدم و آن روایات را به حضرت عرضه کردم. اما حضرت تعداد زیادی از آن روایات را انکار کردند که این‌ها روایت امام صادق (ع) باشد و فرمودند: «إِنَّ أَبَا الْخَطَّابِ كَذَبَ عَلَيَّ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) لَعَنَ اللَّهُ أَبَا الْخَطَّابِ! وَكَذَلِكَ أَصْحَابُ أَبِي الْخَطَّابِ يَدُسُّونَ هَذِهِ الْأَحَادِيثَ إِلَيَّ يَوْمَئِذَا هَذَا فِي كُتُبِ أَصْحَابِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع)، فَلَا تَقْبَلُوا عَلَيْنَا خِلَافَ الْقُرْآنِ، فَإِنَّا إِن تَحَدَّثْنَا حَدَّثْنَا بِمُؤَافَقَةِ الْقُرْآنِ وَ مُؤَافَقَةِ السُّنَّةِ» (کشی، ۱۴۰۹ق، ۲۲۴؛ فیض کاشانی، ۱۳۷۱ش، ۶۱؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ۲: ۲۵)؛ ابوالخطاب بر ابی عبدالله (ع) دروغ بست، خداوند ابوالخطاب را لعنت کند و همین‌گونه یاران او را که این احادیث را تا به امروز در کتاب‌های اصحاب امام صادق (ع) وارد می‌کنند. سپس خطاب به یونس بن عبدالرحمان می‌فرماید: حدیث مخالف با قرآن را بر ما نپذیرید، چرا که اگر ما حدیث بگوییم، موافق قرآن و سنت حدیث می‌گوییم».

حضرت در فقره پایانی روایت می‌فرماید: «فَلَا تَقْبَلُوا عَلَيْنَا خِلَافَ الْقُرْآنِ، فَإِنَّا إِن تَحَدَّثْنَا حَدَّثْنَا بِمُؤَافَقَةِ الْقُرْآنِ...». از این رو، طبق سخن حضرت (ع) شرط صحت و اعتبار روایت، عدم مخالفت با قرآن و موافقت محتوای حدیث با قرآن کریم و سنت نبی اکرم (ص) و احراز صدور آن از معصوم (ع) است و مخالفت حدیث با قرآن، شرط کافی برای عدم پذیرش و احراز عدم صدور حدیث از معصوم (ع) به شمار می‌رود. چنان‌که امام رضا (ع) در بحث محال بودن رؤیت خداوند، با استناد به آیاتی چون «لَا تُدْرِكُهُ الْأَبْصَارُ» (الانعام: ۱۰۳) و «لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ» (الشوری: ۱۱)، در پاسخ به سخن ابوفرّة که به آن حضرت (ع) گفت: پس شما روایات را تکذیب می‌کنید؟ فرمود: «إِذَا كَانَتِ الرَّوَايَاتُ مُخَالَفَةً لِلْقُرْآنِ كَذَّبْتُهَا؛ اگر روایات با قرآن مخالف باشد، من آن را تکذیب می‌کنم» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۱: ۹۶).

بر این اساس اگر روایتی با قرآن صراحتاً مخالف بود، دلیل ساختگی و جعلی بودن می‌باشد و همچنان‌که در کلام حضرت (ع) مشهود است عرضه روایات بر قرآن یکی از راه‌های بازشناسی روایات صحیح از غیر آن به شمار می‌رود.

۲-۲. مخالفت حدیث با سنت پیامبر (ص) و منقولات ائمه دیگر

یکی از معیارهای سنجش احادیث صحیح از ناصحیح و جعلی، عدم تعارض و تنافی حدیث با دیگر احادیث صحیح‌السند و یا سنت قطعیه است (اله‌دادی و همکاران، ۱۴۰۲ش، ۱۵۲). سنت یادگار پیامبر (ص) است که نسل به نسل به ائمه

معصوم (ع) رسیده است و می‌تواند معیاری مستقل برای سنجش دیگر نقل‌ها باشد و نقل‌های نا همگون با خود را از اعتبار ساقط کند. امام رضا (ع) مخالفت حدیث با سنت را از نشانه‌های ساختگی بودن حدیث معرفی می‌کند. چنان‌که در حدیث قبل عبارت «فَإِنَّا إِنْ تَحَدَّثْنَا... مُوَافَقَةَ السُّنَّةِ» بر همین موضوع دلالت می‌کند که حدیث مخالف با سنت نمی‌تواند از معصوم (ع) باشد. از این رو، امام رضا (ع) می‌فرماید: «فَإِنَّا إِنْ تَحَدَّثْنَا حَدَّثْنَا بِمُوَافَقَةِ الْقُرْآنِ وَ مُوَافَقَةِ السُّنَّةِ إِنَّا عَنِ اللَّهِ وَ عَنِ رَسُولِهِ نُحَدِّثُ (کشی، ۱۴۰۹ق، ۲۲۴؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ۲: ۲۵۰)؛ اگر ما حدیث بگوییم، موافق قرآن و سنت می‌گوییم. زیرا ما از سوی خدا و پیغمبرش حدیث می‌گوییم».

همچنین آن‌چه که از ائمه هدی (ع) به عنوان حدیث نقل شده است، ارثیه‌ای است که هر یک از ائمه از پدران بزرگوار خود از امام علی (ع) دریافت نموده‌اند و امام علی (ع) یافته‌های حدیثی خود را از پیامبر (ص) آموخته است. چنان‌که در روایتی آمده است که رسول خدا (ص) ضمن دعا برای او درخواست نمود که این علوم را به فرزنداناش نیز بیاموزد (صفار، ۱۴۰۴ق، ۱: ۱۶۷؛ ابن بابویه، ۱۴۰۴ق، ۵۴؛ طوسی، ۱۴۱۴ق، ۴۴۱).

از این رو، آن‌چه از ائمه معصوم (ع) به عنوان حدیث نقل شده است یک مجموعه به هم پیوسته است که یکدیگر را تایید می‌کنند و یک مفهوم را ارائه می‌دهند و تناقض و ناهمخوانی در آن‌ها وجود ندارد. به همین دلیل است که امام رضا (ع) می‌فرماید: «فَإِنَّا إِنْ تَحَدَّثْنَا حَدَّثْنَا بِمُوَافَقَةِ الْقُرْآنِ وَ مُوَافَقَةِ السُّنَّةِ إِنَّا عَنِ اللَّهِ وَ عَنِ رَسُولِهِ نُحَدِّثُ، وَ لَا نَقُولُ قَالَ فُلَانٌ وَ فُلَانٌ فَيَتَنَاقَضُ كَلَامُنَا إِنْ كَلَامَ آخِرِنَا مِثْلُ كَلَامِ أَوْلَانَا وَ كَلَامِ أَوْلَانَا مُصَادِقٌ لِكَلَامِ آخِرِنَا، فَإِذَا آتَاكُمْ مَنْ يَحَدِّثُكُمْ بِخِلَافِ ذَلِكَ فَرُدُّوهُ عَلَيْهِ وَ قُولُوا أَنْتَ أَعْلَمُ وَ مَا جِئْتَ بِهِ! (کشی، ۱۴۰۹ق، ۲۲۴؛ فیض کاشانی، ۱۳۷۱ش، ۶۱)؛ اگر ما حدیث بگوییم، موافق قرآن و سنت می‌گوییم. زیرا ما از سوی خدا و پیغمبرش حدیث می‌گوییم و نمی‌گوییم: فلان و فلان گفت، تا کلاممان متناقض گردد. بدون شک سخن آخرین فرد ما مانند سخن اولین فرد ماست و سخن فرد ما تصدیق کننده سخن آخرین فرد ماست. پس اگر کسی سخنی خلاف این برای شما آورد، آن را به خودش برگردانید و بگویید: تو خود به آنچه آورده‌ای داناتری!».

بر این اساس، همگونی منقولات ائمه (ع) اگر در شرایط تقیه صادر نشده باشد، می‌تواند معیاری برای شناخت احادیث جعلی در نظر گرفته شود.

روایات عرضه در نگاه کلی در برخورد احادیث با قرآن و سنت، سه مسأله را مورد تأکید قرار داده است: الف) موافقت متن حدیث با قرآن و سنت؛ ب) عدم مخالفت متن حدیث با قرآن و سنت؛ ج) مخالفت متن حدیث با قرآن و سنت. در دو فرض اول حدیث

معتبر و قابل عمل خواهد بود و در فرض سوم باید آن را کنار گذاشت و حدیث جعلی به شمار می‌رود.

۲-۳. مخالفت حدیث با عقل

عقل هدیه ویژه خداوند به انسان برای شناخت هستی و کشف پیوند میان اشیاست و روشن است که پس از ختم نبوت و در روزگار غیبت، حجت باقی مانده عقل است که آموزه‌های منسوب به حجت دیگر، نبوت و امامت، را باید با آن سنجید. کاربرد عقل به شکل معیاری استوار برای کنارزدن احادیث ساختگی، امری رایج است که عالمان نیز با تأسی از ائمه این معیار را به خدمت گرفته‌اند (مسعودی، ۱۳۸۹ ش، ۲۵۸-۲۶۰). چنان‌که در حدیث ابن‌سکیت از امام رضا (ع) آمده است: «الْعَقْلُ يَعْرِفُ بِهِ الصَّادِقُ عَلَى اللَّهِ فَيَصَدِّقُهُ وَ الْكَاذِبُ عَلَى اللَّهِ فَيَكْذِبُهُ» (کلینی، ۱۴۰۷ ق، ۱: ۲۵)؛ حجت کنونی بر مردمان، عقل است که بدان، راستگو بر خدا را از دروغگوی بر خدا تشخیص می‌دهی تا راستگو را تصدیق و دروغگو را تکذیب کنی».

امام (ع) در این حدیث، عقل را معیاری برای تشخیص سره از ناسره و راستگو از دروغگو معرفی می‌کند. زیرا آموزه‌های دینی و عقل در اسلام هم‌آوایند و تعارضی بین آن دو نیست (ر.ک: صدرالدین شیرازی، ۱۳۸۳ ش، ۱: ۲۵۳). از این‌رو، در روایات، سخنی که خلاف حکم عقل باشد، مقبول نیست (ر.ک: ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸ ق، ۵: ۳۶۸)؛ البته مقصود از حکم عقل در اینجا حکم بدوی، ظنی و غیر روشمند نیست.

براین اساس، یکی از راه‌های شناخت حدیث صحیح در حوزه نقد محتوایی، توجه به معرفت‌شناسی عقل در مسائل قطعی عقلی است، مواردی که عقل به طور قطعی حکمی می‌دهد که کسی در بدیهی بودن آن تردید ندارد. از منظر عقل همه امور در سه دسته: امور عقلی (معقول)؛ امور فراعقلی؛ و امور ضد عقل قابل تقسیم‌بندی است. درباره دسته اول و سوم باید گفت، عقل توان داوری درباره هر دو را دارد. با این تفاوت که یکی مورد تأیید و قبول عقل و دیگری مورد انکار و رد آن است، اما امور فراعقلی اساساً در دسترس عقل قرار ندارند و عقل از قضاوت درباره آن‌ها ناتوان است.

از آن‌جا که تنها معیار در شناخت امور همان علم اولی ضروری یا علم بدیهی است و آنچه به این علم منتهی شود. این علم بدیهی تنها از طریق عقل شناسایی می‌شود. احتجاجات بسیاری از امام رضا (ع) گزارش شده که بیشتر آن‌ها در مسئله توحید و سپس امامت است و سیره علمی آن حضرت (ع) در اراده برهان برای هر اصل کلی در معارف

الهی، استناد به مبادی تصدیقی عام و خاص بوده است و همان‌گونه که از مبادی بدیهی تصدیقی در استدلال عقلی استفاده می‌کردند، به کارگیری این مبادی بدیهی در اسلوب منطقی کلام نیز، در قیاس استثنایی و غیر آن، مورد پسند ایشان بوده است و چنین نظمی به طور متداول در کلام حضرت رضا (ع) مشهود است (ر.ک: جوادی آملی، ۱۳۹۷، ش، ۱۹-۲۴). از این‌رو، امام رضا (ع) با شیوه به کارگیری استدلال در مبادی عقلی به آموزش صحابه و پیروان خود در موارد متعدد می‌پردازد و اندیشه‌های خلاف عقل را از اخبار جعلی برشمرده است. چنان‌که در پاسخ به حسین بن خالد کابلی که می‌گوید برخی اندیشه جبر و تشبیه را به شیعه نسبت می‌دهند، می‌فرماید: «مَنْ قَالَ بِالتَّشْبِيهِ وَ الْجَبْرِ فَهُوَ كَافِرٌ مُشْرِكٌ وَ نَحْنُ مِنْهُ بُرَاءٌ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ يَا ابْنَ خَالِدٍ إِنَّمَا وَضَعَ الْأَخْبَارَ عَنَّا فِي التَّشْبِيهِ وَ الْجَبْرِ الْغُلَاةُ الَّذِينَ صَغَرُوا عَظْمَةَ اللَّهِ تَعَالَى؛ کسی که قائل به تشبیه و جبر باشد کافری مشرک است و ما در دنیا و آخرت از او بیزار هستیم. ای پسر خالد! اخباری را که از قول ما درباره تشبیه و جبر نقل می‌شود، غلات ساخته‌اند که عظمت خداوند متعال را کوچک می‌کنند» (صدوق، ۱۳۷۸، ق، ۱: ۱۴۳).

از این‌رو، یکی از معیارهای شناخت حدیث ساختگی مخالفت با براهین عقلی و آیات محکم قرآن است. چنان‌که از رسول خدا (ص) روایت شده است: «إِذَا أَتَاكُمْ عَنِّي حَدِيثٌ فَأَعْرِضُوهُ عَلَيَّ كِتَابِ اللَّهِ وَ حُجَّةِ عُقُولِكُمْ فَإِنِ وَافَقَهُمَا فَاقْبَلُوهُ وَ إِلا فَاصْرِبُوا بِهِ عَرَضَ الْجِدَارِ؛ هرگاه سخنی از من به شما رسید، آن را بر کتاب خدا و خردهایتان (استدلال‌های عقلی) عرضه کنید، اگر با این دو هماهنگ بود آن را بپذیرید وگرنه آن را بر دیوار بکوبید» (ابوالفتح رازی، ۱۴۰۸، ق، ۵: ۳۶۸).

۲-۴. مخالفت حدیث با مسلمات دینی و مذهبی

از دیگر معیارهای شناخت حدیث جعلی در سیره امام رضا (ع)، مخالفت حدیث با مسلمات دینی است، چرا که مسلمات هر دین که از طریق نقل و با دلایل استوار اثبات شده باشد، هیچ مخالفت و انکاری را نسبت به آن بر نمی‌تابد. مثلاً درباره عصمت انبیاء شیعه هیچ گاه نمی‌پذیرد که پیامبران الهی مرتکب گناه شوند. از این‌روست که امام رضا (ع) در نقد تفکرات نادرست عالمان یهود و نصاری و فرق مختلف درباره ازدواج حضرت داود (ع) با همسر اوریاء در مجلس مامون، عصمت انبیاء (ع) را گوشزد می‌کند و سپس حقیقت امر را چنین بیان می‌فرماید: «إِنَّ الْمَرْأَةَ فِي أَيَّامِ دَاوُدَ (ع) كَانَتْ إِذَا مَاتَ بَعْلُهَا أَوْ قُتِلَ لَا تَتَزَوَّجُ بَعْدَهُ أَبَدًا وَأَوَّلُ مَنْ أَبَاحَ اللَّهُ لَهُ أَنْ يَتَزَوَّجَ بِامْرَأَةٍ قُتِلَ بَعْلُهَا كَانَ دَاوُدَ ع

فَتَزَوَّجَ بِامْرَأَةٍ أَوْرِيَا لَمَّا قُتِلَ وَ انْقَضَتْ عِدَّتُهَا مِنْهُ فَذَلِكَ الَّذِي شَقَّ عَلَى النَّاسِ مِنْ قِبَلِ أَوْرِيَا؛ در دوران حضرت داود (ع) حکم خدا چنین بود که هرگاه زنی شوهرش می‌مرد یا کشته می‌شد، بعد از او هرگز ازدواج نمی‌کرد، و اولین کسی که خداوند برایش مباح کرد که با زنی که شوهرش کشته شده ازدواج کند، داود (ع) بود، آن حضرت هم پس از کشته شدن اوریا و تمام شدن عده همسرش، با آن زن ازدواج کرد و این همان چیزی است که در مورد اوریا بر مردم گران آمد»^۱ (صدوق، ۱۳۷۸ق، ۱: ۱۹۴؛ بحرانی، ۱۳۷۴ش، ۴: ۶۴۹؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ۱۱: ۷۲-۷۴).

نمونه دیگر در این باره پاسخ امام رضا (ع) به پرسش ابراهیم بن ابی محمود درباره روایتی از رسول خدا است که شبهه جسمانیت خداوند در آن می‌رفت، فرمود: «لَعَنَ اللَّهُ الْمُحَرِّفِينَ الْكَلِمَ عَنْ مَوَاضِعِهِ وَاللَّهِ مَا قَالَ رَسُولُ اللَّهِ كَذَلِكَ إِنَّمَا قَالَ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَنْزِلُ مَلَكًا إِلَى السَّمَاءِ الدُّنْيَا كُلَّ لَيْلَةٍ فِي الثُّلُثِ الْأَخِيرِ؛ خداوند تحریف‌کنندگان سخنان از مواضع درستش را لعنت کند! به خدا سوگند رسول خدا (ص) چنین نفرمود. [بلکه] رسول خدا فرمود که حق تعالی در ثلث آخر هر شب و در ثلث اول شب جمعه فرشته‌ای را به آسمان دنیا فرو می‌فرستد» (صدوق، ۱۳۷۸ق، ۱: ۱۲۶).

از این‌رو، یکی دیگر از معیارهای نقد درونی یا محتوایی، عدم مخالفت محتوای حدیث با اصول موضوعه و مسلم دین اسلام و مذهب امامیه است. بر این اساس، مسلمات مذهبی که با دلایل استوار عقلی و نقلی اثبات شده‌اند، از سوی پیروان مذهب امامیه هیچ‌گونه تردید و انکاری در آن‌ها روا نیست و احادیث مخالف با آن‌ها از جای تأمل دارد و نادرست است.

۲-۵. خالی بودن کلام از حقیقت و نورانیت

از دیگر ویژگی‌های کلام معصومین (ع) این است که نورانیت و حقیقتی همراه آن است که باعث می‌شود از کلام غیر معصوم بازشناخته شود. از این‌رو، کلامی که از نورانیت و حقیقت برخوردار نیست از ائمه صادر نشده است و جعلی است. از آن‌جا که ائمه (ع) نور الهی در عالمند. چنان‌که ابو خالد کابلی از امام باقر (ع) روایتی را نقل می‌کند که در آن از امام (ع) درباره آیه شریفه «فَأَمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَالنُّورِ الَّذِي أَنْزَلْنَا» (تغابن: ۸) سؤال شد، فرمود: «ای اباخالد، به خدا سوگند، این نور، ائمه آل محمد (ع) می‌باشند تا روز قیامت» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۱: ۳۷۱).

۱. مانند داستان ازدواج پیامبر (ص) با زینب، همسر پسرخوانده‌اش زید بن حارثه (ر.ک: مجلسی، ۱۴۰۳ق، ۱۱: ۷۴).

کلام ائمه هم نوری دارد که برای هر پاک طینتی قابل تشخیص است. از این رو، هر چه حقیقت و نور ندارد از ائمه صادر نشده است و کلام غیر است.

در روایتی که در مبحث مخالفت حدیث با قرآن از یونس بن عبدالرحمن بیان شد، امام رضا (ع) جهت تشخیص روایات جعلی علاوه بر عدم مخالفت کلام صادره از اهل بیت (ع) با قرآن و سنت، ایشان در فقره پایانی روایت به نکته جالبی اشاره می‌کند و این گونه می‌فرماید: «فَإِنَّ مَعَ كُلِّ قَوْلٍ مِّنَّا حَقِيقَةً وَعَلَيْهِ نُورًا، فَمَا لَا حَقِيقَةَ مَعَهُ وَلَا نُورَ عَلَيْهِ فَذَلِكَ مِنْ قَوْلِ الشَّيْطَانِ (کشی، ۱۴۰۹ق، ۲۲۵؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ۲: ۲۵۰)؛ همانا با هر سخن ما حقیقتی و بر آن نوری است و هر چه حقیقت و نور ندارد از سخنان شیطان است».

آن چه که از این فقره فهمیده می‌شود این است که راه تشخیص روایات سره از ناسره در شیعه با اهل سنت، تفاوت زیادی دارد. در شیعه بیش از این که توجه به رجال کارساز باشد، توجه به محتوای روایت و فقه الحدیث است. البته پر واضح است که این معیارها، با اصالت‌هایی که دارد هیچ‌گونه شکی را در پذیرش کلمات نورانی ائمه اطهار (ع) نمی‌گذارد و قوت متن این‌گونه روایات و اتقان آن بهترین راه برای مبارزه با روایات جعلی است. یونس بن عبدالرحمان نیز با توجه به همین نکته، به جایی می‌رسد که کتاب حدیثی او از تمام روایات جعلی خالص و پاک می‌شود (همان).

۲-۶. نقل حدیث از منابع نامعتبر و راویان غیر موثق

یکی دیگر از نشانه‌های حدیث موضوع نقل روایاتی است که از طریق منابع و راویان غیر موثق نقل شده است. از این رو، امام رضا (ع) برای شناسایی و جلوگیری از وضع، توصیه به دقت در دریافت حدیث از منبع و مجرای اصلی آن بود. زیرا یکی از مسائل مهم در دوران امام رضا (ع)، گسترش حلقه‌های حدیثی عامه و گروه‌های کلامی منحرف در آن دوره است. از این رو، حضرت (ع) شیعه را به این مهم توصیه می‌کردند. چنان که در حدیث اباصلت آمده است: «سَمِعْتُ أَبَا النَّحْسَنِ عَلِيَّ بْنَ مُوسَى الرَّضَاعِ يَقُولُ: رَحِمَ اللَّهُ عَبْدًا أَحْيَا أَمْرَنَا فَقُلْتُ لَهُ وَكَيْفَ يَحْيِي أَمْرَكُمْ قَالَ يَتَعَلَّمُ عُلُومَنَا وَيَعْلَمُهَا النَّاسُ فَإِنَّ النَّاسَ لَوْ عَلِمُوا مَحَاسِنَ كَلَامِنَا لَا تَبَعُونَا قَالَ قُلْتُ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ فَقَدْ رَوَى لَنَا عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع أَنَّهُ قَالَ مَنْ تَعَلَّمَ عِلْمًا لِيَمَارِي بِهِ السُّفَهَاءَ أَوْ يَبَاهِي بِهِ الْعُلَمَاءَ أَوْ لِيُقْبَلَ بِوَجْهِهِ النَّاسُ إِلَيْهِ فَهُوَ فِي النَّارِ فَقَالَ ع صَدَقَ جَدِّي ع أَفْتَدِرِي مِنَ السُّفَهَاءِ فَقُلْتُ لَا يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ قَالَ ع هُمْ فُصَّاصٌ مُخَالِفِينَ أَوْ تَدْرِي مِنَ الْعُلَمَاءِ فَقُلْتُ لَا يَا ابْنَ رَسُولِ

اللَّهِ صَ فَقَالَ هُمْ عُلَمَاءُ آلِ مُحَمَّدٍ عَ الَّذِينَ فَرَضَ اللَّهُ طَاعَتَهُمْ وَأَوْجَبَ مَوَدَّتَهُمْ ثُمَّ قَالَ أَوْتَدْرِي مَا مَعْنَى قَوْلِهِ أَوْ لِيَقْبَلْ بِوَجْهِهِ النَّاسِ إِلَيْهِ فَقُلْتُ لَا فَقَالَ عَ بَعْنِي وَاللَّهِ بِذَلِكَ ادْعَاءُ الْإِمَامَةِ بِغَيْرِ حَقِّهَا وَمَنْ فَعَلَ ذَلِكَ فَهُوَ فِي النَّارِ» (صدوق، ۱۳۷۸ ش، ۱: ۳۰۷-۳۰۸).

از بافت زبانی روایت به خوبی برمی‌آید که امام (ع) یاران خود را از آن چه قصاص راوی‌نما «قَصَاصُ مُخَالِفِينَا» و متکلمان دور از مکتب اهل بیت (ع) می‌گویند، برحذر می‌دارد؛ چرا که آن‌ها سفهاء هستند. از این‌رو، به ابصالت می‌فرماید: علم را باید از عالمان واقعی اخذ کرد و علما را چنین معرفی می‌کند: «هُمُ عُلَمَاءُ آلِ مُحَمَّدٍ الَّذِينَ فَرَضَ اللَّهُ طَاعَتَهُمْ وَأَوْجَبَ مَوَدَّتَهُمْ».

بر این اساس، دقت در اخذ حدیث از منبع معتبر و صحت صدور حدیث از طریق راوی‌شناسی یکی از راه‌های شناخت وضع حدیث در سیره امام رضا (ع) است که در گزارشات حدیثی به آن اشارت رفته است.

چنان‌که بر پایه روایات ائمه (ع) دروغ‌پردازان در احادیث را براساس وجود صفاتی چون انحرافات مذهبی یا اخلاقی در آن‌ها معرفی می‌کرده‌اند، در موارد فراوانی هم راویان مورد وثوق خود را به مردم معرفی کرده‌اند تا احادیث از آن‌ها گرفته شود. چنان‌که در روایتی به نقل از علی بن مسیب آمده است: «قُلْتُ لِلرَّضَاعِ شُقَّتِي بَعِيدَةٌ وَ لَسْتُ أَصِلُ إِلَيْكَ فِي كُلِّ وَفْتٍ فَمِمَّنْ أَخَذُ مَعَالِمَ دِينِي فَقَالَ مِنْ زَكْرِيَا بْنِ آدَمَ الْقُمِّيِّ الْمَأْمُونِ عَلَى الدِّينِ وَ الدُّنْيَا (مفید، ۱۴۱۳ق، ۸۷؛ کشی، ۱۳۶۳ ش، ۲: ۸۵۸)؛ از امام رضا (ع) پرسیدم: فاصله من زیاد است و همیشه نمی‌توانم به شما دسترسی داشته باشم. از چه کسی معارف دینی خود را کسب کنم؟ فرمود: از زکریا بن آدم که بر دین و دنیا امانتدار است، پرس».

از این‌رو، امین بودن و مورد وثوق بودن از صفاتی است که در این روایت مبنای پذیرش منیع و مصدر حدیث قرار گرفته است.

۳. راه‌های مبارزه با واضعان

از مهمترین راه‌های مقابله با واضعان در سیره امام رضا (ع) عبارتند از:

۳-۱. برایی جلسات مناظره و حلقه‌های حدیثی

از اقدامات امام رضا (ع) در جلوگیری از جعل و وضع حدیث، برایی حلقه‌های حدیثی و جلسات مناظرات در مسائل فکری و عقیدتی بود که در مقابله با عقاید انحرافی فرق

موجود از جمله واقفیان صورت می‌گرفت. گزارشات تاریخی و حدیثی حاکی از جلسات متعدد در این زمینه است. چنان‌که حاصل این جلسات در کتاب صحیفه‌الرضا (ع) به نقل از احمدبن عامر طائی آمده است^۱ و همچنین طبرسی در کتاب الاحتجاج، ۳۸ مناظره از امام رضا (ع) گزارش کرده است (ر.ک: طبرسی، ۱۴۰۳ق، ۲: ۳۹۶ به بعد).

احتجاجات بسیاری از امام رضا (ع) در مسائل مختلف از جمله توحید و امامت، همچنین مناظره با زنداچه و نیز احتجاج با افرادی چون سلیمان مروزی، بحث با طرفداران تفکرات مرجئه، معتزله و ثنویه در منابع حدیثی گزارش شده است (نک: صدوق، ۱۳۷۸ق، ۱: ۱۲۴، ۱۴۹؛ همو، ۱۳۹۸ق، ۴۴۱-۲۵۴؛ ابن‌شعبه، ۱۴۰۴ق، ۴۲۳) که همه در جهت روشن‌گری و مبارزه با اندیشه‌های انحرافی است. چنان‌که در گزارش احمدبن محمد بن ابی‌نصر بزنطی درباره عید غدیر آمده است: «كُنَّا عِنْدَ الرَّضَا وَ الْمَجْلِسُ غَاصُّ بِأَهْلِهِ فَتَدَاكُرُوا يَوْمَ الْغَدِيرِ فَأَنْكَرَهُ بَعْضُ النَّاسِ...» (ثقفی، ۱۳۹۵ق، ۲: ۸۵۸؛ طوسی، ۱۴۰۷ق، ۶: ۲۴؛ ابن‌طاووس، ۱۳۷۶ش، ۲: ۲۶۹).

در مواردی نیز تعداد حضار گزارش شده است که نشان از حضور پرشور افراد گوناگون و حتی مخالف در جلسات حدیثی حضرت (ع) است. چنان‌که ابن‌طاووس به نقل از شیخ صدوق می‌آورد: «كَانَ عَلِيُّ بْنُ مُوسَى الرَّضَاعِ بِمَدِينَةِ مَرُوءَ وَ مَعَهُ ثَلَاثُ مِائَةٍ وَ سِتُونَ رَجُلًا مِنْ شِيعَتِهِ مِنْ بِلَادِ شَتَّى» (۱۴۱۱ق، ۲۳).

در شهرهای دیگر نیز از جمله مدینه، کوفه، مینا و خراسان جلسات و حلقه‌های حدیثی و مناظرات وجود داشته است (حمیری، ۱۴۱۳ق، ۲۰۰؛ صدوق، ۱۳۹۸ق، ۴۱۹؛ کلینی، ۱۴۰۷ق، ۴: ۲۳؛ طوسی، ۱۴۰۷ق، ۶: ۲۴؛ طبرسی، ۱۴۰۳ق، ۲: ۴۱۶) که خود شیوه‌ای در جهت پالایش احادیث و طرح احادیث ساختگی و افکار نادرست به شمار می‌رود. از این رو، امام (ع) با برپایی حلقه‌های حدیثی و مناظرات ضمن نقد و طرح احادیث ساختگی، با این شیوه حکیمانه تفکرات اصیل اسلامی را به آنان منتقل می‌کردند.

۲-۳. مبارزه با تفکرات غلوآمیز

غلودر شأن امامان (ع) از جمله آسیب‌های وارد شده بر جریان اسلام ناب محمدی (ص) است که در مواردی، موجب تخریب مذهب تشیع و وجهی اهل بیت (ع) بوده است. معمولا این آسیب با مواردی چون شریک دانستن امامان (ع) با خداوند در خلقت یا رزاقیت، حلول خداوند در امامان (ع)، علم غیب امامان (ع) بدون الهام الهی، نبوت
۱. برای آگاهی از طرق اسانید روایات صحیفه الرضاع رجوع کنید به: (علی بن موسی (ع)، ۱۴۰۶ق، ۱۴-۳۱).

امامان (ع)، تناسخ ارواح ائمه (ع) و کفایت معرفت به ایشان از تکالیف دینی شناخته می‌شود (خانمی مقدم و دیاری بیدگلی، ۱۳۹۸ ش، ۱۹۴).

در دوره امام رضا (ع)، علاوه بر گسترش جریان واقفی که گاه عقاید غالبانه‌ای مطرح می‌کردند، به غالیان مشهوری چون یونس بن ظبیان و محمد بن فرات بر می‌خوریم که افکار انحرافی خویش را در جامعه پراکنده می‌کردند. علاوه بر این در گوشه و کنار قلمرو اسلامی به خصوص در کوفه و گاه در خراسان، افکار غالبانه‌ای در میان برخی از منتسبان به شیعه به چشم می‌خورد که موجب بدنامی شیعه شده بود. این شرایط سبب شد امام رضا به طور جدی با این جریان مبارزه کند و علاوه بر رسواسازی غالیان مشهور، به مقابله با افکار غالیان پردازد (حاجی زاده، ۱۳۹۳ ش، ۵۰).

از این رو، امام رضا (ع) ضمن معرفی غالیانی چون بیان بن سمعان، مغیره بن سعید، ابوالخطاب، محمد بن بشیر و ادعاهای کذب ایشان درباره ائمه (ر.ک: کشی، ۱۴۰۹ ق، ۳۰۲-۳۰۳) به معرفی غالیان زمان خود یعنی یونس بن ظبیان (ر.ک: همان، ۳۶۳) و محمد بن فرات می‌پردازد (همان، ۵۵۴).

بر این اساس، یکی از کوشش‌هایی که در سیره ائمه (ع) در زمینه ردّ و نقد شکل گرفت و از وضع و جعل جلوگیری می‌کرد، مبارزه با تفکرات غلوآمیز و روایات جعلی غالیان بود که با برتری بخشی دروغین امامان و برکشیدن آنان از جایگاه حقیقی‌شان به مرتبه اولوهیت و نبوت است. چنان‌که روایت عبدالسلام بن صالح هروی از امام رضا (ع) این مطلب را نشان می‌دهد: «قَالَ أَبُو الصَّلْتِ فَقُلْتُ لَهُ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ ص مَا شَيْءٌ يَحْكِيهِ عَنْكُمْ النَّاسُ قَالَ وَ مَا هُوَ قُلْتُ يَقُولُونَ إِنَّكُمْ تَدْعُونَ أَنَّ النَّاسَ لَكُمْ عِبِيدٌ فَقَالَ اللَّهُمَّ فَاطِرَ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ عَالِمِ الْغَيْبِ وَ الشَّهَادَةِ أَنْتَ شَاهِدٌ بَأَنِّي لَمْ أَقُلْ ذَلِكَ قَطُّ وَ لَا سَمِعْتُ أَحَدًا مِنْ آبَائِي ع قَالَ قَطُّ وَ أَنْتَ الْعَالِمُ بِمَا لَنَا مِنَ الْمَطَالِمِ عِنْدَ هَذِهِ الْأُمَّةِ وَ إِنَّ هَذِهِ مِنْهَا تُمُّ أَقْبَلْ عَلَيَّ فَقَالَ لِي يَا عَبْدَ السَّلَامِ إِذَا كَانَ النَّاسُ كُلُّهُمْ عِبِيدَنَا عَلَيَّ مَا حَكُوهُ عَنَّا فَمِمَّنْ نَبِيَّهُمْ...» (صدوق، ۱۳۷۸ ق، ۲: ۱۸۳-۱۸۴؛ بحرانی، ۱۳۷۴ ش، ۴: ۳۶۱-۳۶۲)؛ «ابوصلت گوید: گفتم: یا ابن رسول الله! این چیست که مردم از شما حکایت می‌کنند؟ فرمود: چه چیزی حکایت می‌کنند؟ عرض کردم می‌گویند: شما ادعا کرده‌اید که مردم برده شما هستند! آن حضرت فرمود، خداوند! ای کسی که آسمان‌ها و زمین را آفریده‌ای و به ناپیدا و پیدا آگاهی، تو شاهی که من چنین مطلبی را هرگز نگفته‌ام، و از احدی از پدرانم (ع) نشنیده‌ام که چنین کلامی گفته باشند، بارها! تو خود می‌دانی که از این مردم چه ستم‌هایی به ما وارد شده است، و این افترا هم از ستم‌های

ایشان است که درباره ما روا داشته‌اند، آن‌گاه به من روی کرده فرمود: ای عبدالسلام! اگر اینان بنا بر گفتار خودشان - که به ما نسبت می‌دهند - که ما گفته‌ایم همه مردم بنده و برده ما هستند، پس بگویند از چه کسی ما آنان را خریده‌ایم؟».

در روایت دیگری در مجلس مأمون نقل شده است که مامون از امام رضا (ع) درباره این که برخی درباره امام غلو دارند و بیش از اندازه مقام برای ایشان قائلند، پرسید: حضرت (ع) به نقل از پیامبر (ص)، فرمود: «مرا بیش از اندازه‌ای که هست بالا نبرید. خداوند تبارک و تعالی قبل از آن که مرا به مقام پیامبری مفتخر نماید مقام بندگی خود را به من عنایت کرده است. در قرآن کریم نیز می‌فرماید: «مَا كَانَ لِشَرِّ أَنْ يُؤْتِيَهُ اللَّهُ الْكِتَابَ وَالْحُكْمَ وَالنُّبُوَّةَ ثُمَّ يَقُولَ لِلنَّاسِ كُونُوا عِبَادًا لِي مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلَكِنْ كُونُوا رَبَّانِيِّنَ بِمَا كُنْتُمْ تُعَلِّمُونَ الْكِتَابَ وَبِمَا كُنْتُمْ تَدْرُسُونَ وَلَا يَأْمُرُكُمْ أَنْ تَتَّخِذُوا الْمَلَائِكَةَ وَالنَّبِيِّينَ أَرْبَابًا أَيَأْمُرُكُمْ بِالْكَفْرِ بَعْدَ إِذْ أَنْتُمْ مُسْلِمُونَ» (آل عمران: ۷۹-۸۰) و [به نقل] از علی (ع) فرمود: دو گروه را درباره خود در هلاکت می‌بینم و بر من گناهی نیست؛ یکی دوستی که درباره من افراط و زیاده‌روی کند و دیگری دشمنی که دشمنی را از حد گذرانده است، و ما از کسانی که در باره ما غلو می‌کنند ما را از حد بندگی خدا بالاتر می‌برند، بیزاریم» (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ۵: ۳۷۸-۳۷۹).

چنان‌که مشاهده می‌شود، یکی از اقدامات اساسی امام رضا (ع) در حراست از اندیشه‌های ناب اسلامی، مبارزه با انحرافات فکری و عقیدتی، جامعه مسلمین بود که حضرت (ع) به مناسبت‌های گونه‌گون با این انحرافات برخورد می‌کردند و با اعلام مواضع خود، نظر حق و صواب را بیان می‌نمودند و دیگران را از باورهای نادرست باز می‌داشتند.

۳-۳. رویارویی و مبارزه با قصاصان

یکی از آفت‌هایی که حدیث نبوی را تهدید می‌کرد، قصه‌سازی و افسانه‌پردازی قصاصان بود که پایه‌های دین - که بر عقل و فطرت سلیم انسان بنا شده است - را هدف قرار داده بود. قصه‌پردازی یکی از ابزارهای خلفای جائر بود که با گم‌کردن عالمان وابسته به دربار، قصد مقابله با اهل بیت (ع) و براندازی حدیث نبوی را داشتند.

از این‌رو، همواره در تاریخ حدیث شاهد مقابله ائمه (ع) با قصاصان و قصه‌پردازی هستیم، مثلاً امام علی (ع) پس از ورود به بصره، قصه‌پردازان را از مسجد اخراج کرد (ر.ک: مجلسی، ۱۴۰۳ق، ۸۱: ۱۷). حتی از این مرحله هم شدیدتر نقل شده است

که حضرت (ع) قصه پردازی را در مسجد دید، پس او را زد و بیرون انداخت: «إِنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ ع زَأَى قَاصًّا فِي الْمَسْجِدِ فَضَرَبَهُ بِالذَّرَّةِ فَطَرَدَهُ» (طوسی، ۱۴۰۷ق، ۱۰: ۱۴۹). امام باقر (ع) قصه پردازان را جزو خائنان (عیاشی، ۱۳۸۰ق، ۱: ۳۶۲) و امام صادق (ع) آنان را غاوون (عروسی حویزی، ۱۴۱۵ق، ۴: ۷۱) دانسته است و لعنت کرده است (صدوق، ۱۴۱۴ق، ۱۰۹)؛ زیرا وجود روایات داستانی ساختگی در اذهان مردم موجب گمراهی و سلب اعتماد خواهد شد و وارد شدن این داستان‌ها در مجموعه‌های حدیثی موجب بی‌اعتباری بسیاری از راویان و مجموعه‌های حدیثی می‌شود، چرا که بسیاری از قصاصان برای تقدس بخشی به کار خود به سندسازی دست می‌زدند.

امام رضا (ع) نیز هنگام گفتگو با اربابان مذاهب مختلف در مورد عصمت پیامبران، از جمله ماجرای داود و اوریا، سخت ناراحت شد، دست بر پیشانی مبارک زد و ضمن رد این روایت، فرمود: «إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاغِبُونَ لَقَدْ نَسَبْتُمْ نَبِيًّا مِنْ أَنْبِيَاءِ اللَّهِ إِلَى التَّهْلُؤِنِ بِصَلَاتِهِ حَتَّى خَرَجَ فِي أَثَرِ الطَّيْرِ ثُمَّ بِالْفَاحِشَةِ ثُمَّ بِالْقَتْلِ؟! (صدوق، ۱۳۷۸ق، ۱: ۱۹۴)؛ بحرانی، ۱۳۷۴ش، ۴: ۶۴۹)؛ شما پیامبری از پیغمبران خدا را به سستی در نمازش نسبت دادید، تا آن‌جا که (همچون کودکان) به دنبال پرنده‌ای رفت، سپس او را به فحشاء، و بعد از آن به قتل انسان بی‌گناهی متهم ساختید!؟».

از آن‌جا که داستان‌سرایی یکی از بسترهای دروغ‌پردازی قصه‌گویان هست، همواره از سوی ائمه معصوم (ع) با قاطعیت مورد رویارویی قرار داشت و امام رضا (ع) نیز با قصه‌پردازان و قصه‌هایی که منشاء و اساس درستی نداشتند، برخورد می‌کردند و به نفی مسائل خرافی می‌پرداختند.

چنان‌که در روایت علی بن محمد بن جهم آمده است: «امام رضا (ع) در پاسخ پرسش مأمون عباسی نسبت به داستانی که مردم درباره سیاره زهره و ستاره سهیل می‌گویند که این سیاره در اصل زنی بوده است که هاروت و ماروت عاشق او می‌شوند [و این دو فرشته را به گناه می‌آلاید] و ستاره سهیل در حقیقت باج‌گیری در یمن بوده است و خداوند به واسطه گناهایی که مرتکب شدند آن دو را مسخ کرد و به شکل دو جرم آسمانی درآورد؛ فرمود: ایشان در این گفتارشان دروغ گفتند ... خداوند عزوجل هرگز دشمنانش را به انوار درخشانی که تا آسمان‌ها و زمین باقیند، باقی باشند، مسخ نمی‌کند و مسخ‌شدگان بیش از سه روز باقی نمی‌مانند و می‌میرند و نسلی از ایشان باقی نمی‌ماند و در حال حاضر هیچ موجود مسخ‌شده‌ای وجود ندارد و آن‌چه نام مسخ‌شدگان را بر آن‌ها می‌نهند مانند بوزینه، خوک، خرس و مانند آن‌ها در حقیقت شبیه موجوداتی هستند

که خداوند قومی را که برایشان غضب و لعنت کرد، مسخ نمود. علتش هم این بود که آنان یگانگی خدا را انکار کردند و پیامبرانش را تکذیب نمودند. اما هاروت و ماروت دو فرشته بودند که به مردم، سحر می‌آموختند تا بتوانند از سحر ساحران احتراز کنند و مکر سحرشان را باطل سازند و این دو فرشته به احدی چیزی از سحر را نمی‌آموختند مگر آن که به وی می‌گفتند: «إِنَّمَا نَحْنُ فِتْنَةٌ فَلَا تَكْفُرْ فَكَفَرَ قَوْمٌ بِأَسْئَعَالِهِمْ لَمَّا أُمِرُوا بِالْأَحْتِرَازِ مِنْهُ وَجَعَلُوا يَفْرُقُونَ بِمَا تَعَلَّمُوهُ بَيْنَ الْمَرْءِ وَزَوْجِهِ» (البقره: ۱۰۲)؛ منحصرأ ما برای آزمون سخت سحر را به شما آموختیم پس مبادا به واسطه آن راه کفر پیشه‌سازی! قومی با به کارگیری آن در راهی که امر گردیدند تا از آن احتراز جویند، کافر شدند و جادویی را که فراگرفته بودند وسیله ای برای تفرقه‌افکنی میان شوهر و زنش، ساختند...» (صدوق، ۱۳۷۸ق، ۱: ۲۷۱).

چنان‌که ملاحظه می‌شود از دیگر عرصه‌هایی که منجر به جعل حدیث و اشاعه فرهنگ خرافی در بین مردم می‌شد، داستان‌سرایی و بیان قصه‌های خرافی است که امام رضا (ع) با روشنگری و جعلی خواندن آن‌ها و تکذیب قصه‌سرایان این گونه قصه‌ها، به بیان حقیقت می‌پرداختند.

۳-۴. معرفی و افشای جاعلان حدیث

یکی دیگر از راه‌های مبارزه با وضع و جعل از سوی ائمه هدی به ویژه امام رضا (ع)، افشای صریح واضعان و جاعلان حدیث بود. واضعانی که با نام راوی، محدث، محب و گاه نماینده خود را در صفوف اصحاب ائمه جای داده بودند و چه بسا که ظاهری پرهیزگار و با تقوا نیز داشتند. از این‌رو، افشای آنان کاری بسیار دشوار بود و افشای هویت واقعی آنان جز از طریق ائمه (ع) ممکن نبود. در این فضا ائمه (ع) همچون یک شخصیت رجالی به صراحت به معرفی واضعان و کذابان می‌پرداختند تا شک و شبهه‌ای باقی نماند. از این‌رو، امام رضا (ع) درباره جاعلانی چون «یونس بن ظبیان» (ر.ک: همان، ۳۶۳) و «محمد بن فرات» به افشاگری پرداخته است. مثلاً درباره «محمد بن فرات» به یونس بن عبدالرحمان می‌گوید: «أَمَّا تَرَىٰ إِلَىٰ مُحَمَّدِ بْنِ الْفُرَاتِ وَ مَا يَكْذِبُ عَلَيَّ فَقُلْتُ أَبْعَدَهُ اللَّهُ وَ أَسْحَقَهُ وَ أَشَقَّاهُ! فَقَالَ: قَدْ فَعَلَ اللَّهُ ذَلِكَ بِهِ، أَذَاقَهُ اللَّهُ حَرَّ الْحَدِيدِ كَمَا أَذَاقَ مَنْ كَانَ قَبْلَهُ مِمَّنْ كَذَبَ عَلَيْنَا، يَا يُونُسُ إِنَّمَا قُلْتَ ذَلِكَ لِتُحَدِّثَ عَنْهُ أَصْحَابِي وَ تَأْمُرَهُمْ بِلَعْنِهِ وَ الْبَرَاءَةِ مِنْهُ فَإِنَّ اللَّهَ بَرِيءٌ مِنْهُ» (کشی، ۱۴۰۹ق، ۵۵۴).

به همین دلیل رجال‌شناسان نیز وی را ضعیف (نجاشی، ۱۳۶۵ش، ۳۶۳؛ ابن‌غضائری،

۱۳۶۴ش، ۹۲) و اهل غلو معرفی کرده‌اند (کشی، ۱۴۰۹ق، ۵۵۴). همچنین در کلام دیگر از حضرت نقل شده است که فرمود: «أَذَانِي مُحَمَّدُ بْنُ الْفُرَاتِ آذَاهُ اللَّهُ وَ آذَاقَهُ اللَّهُ حَرَّ الْحَدِيدِ، أَذَانِي لَعْنَةُ اللَّهِ أَذَى مَا أَدَى أَبُو الْخَطَّابِ لَعْنَةُ اللَّهِ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ (ع) بِمِثْلِهِ، وَ مَا كَذَبَ عَلَيْنَا خَطَّابِي مِثْلَ مَا كَذَبَ مُحَمَّدُ بْنُ الْفُرَاتِ، وَ اللَّهُ مَا مِنْ أَحَدٍ يَكْذِبُ عَلَيْنَا إِلَّا وَ يَذِيقُهُ اللَّهُ حَرَّ الْحَدِيدِ» (کشی، ۱۴۰۹ق، ۵۵۵).

همچنین ابویحیی واسطی به نقل از امام رضا (ع) درباره «بیان [بُنَان] بن محمد»، «مغیره بن سعید»، «محمد بن بشیر»، «ابوالخطاب» و «محمد بن فرات» می‌گوید: «قَالَ أَبُو الْحَسَنِ الرِّضَا (ع): كَانَ بِيَان [بُنَان] يَكْذِبُ عَلَيَّ عَلِيَّ بْنِ الْحُسَيْنِ (ع) فَأَذَاقَهُ اللَّهُ حَرَّ الْحَدِيدِ، وَ كَانَ الْمُغِيرَةُ بْنُ سَعِيدٍ يَكْذِبُ عَلَيَّ أَبِي جَعْفَرٍ (ع) فَأَذَاقَهُ اللَّهُ حَرَّ الْحَدِيدِ، وَ كَانَ مُحَمَّدُ بْنُ بَشِيرٍ يَكْذِبُ عَلَيَّ أَبِي الْحَسَنِ مُوسَى (ع) فَأَذَاقَهُ اللَّهُ حَرَّ الْحَدِيدِ، وَ كَانَ أَبُو الْخَطَّابِ يَكْذِبُ عَلَيَّ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) فَأَذَاقَهُ اللَّهُ حَرَّ الْحَدِيدِ، وَ الَّذِي يَكْذِبُ عَلَيَّ مُحَمَّدُ بْنُ فُرَاتٍ» (کشی، ۱۴۰۹ق، ۳۰۲-۳۰۳).

بر این اساس، یکی دیگر از روش‌های مبارزاتی امام (ع) با پدیده وضع، معرفی جاعلان حدیث و افشای ماهیت پلیدشان است. چنان‌که مشاهده می‌شود امام رضا (ع) چون یک رجالی به جرح و تعدیل راویان می‌پردازد.

۳-۵. مقابله با پدیده تحریف در احادیث

از دیگر راه‌های مبارزه با پدیده شوم جعل حدیث در سیره امام رضا (ع)، مقابله با پدیده تحریف احادیث ناب نبوی است که حضرت با آگاهی از سنت نبوی از تحریف آن‌ها جلوگیری می‌نمود. چنان‌که شیخ صدوق در کتاب عیون أخبار الرضا (ع) با اسنادش به نقل از ابراهیم بن ابی محمود می‌گوید: «به امام رضا (ع) عرض کردم: ای فرزند رسول خدا نظرتان درباره حدیثی که مردم از رسول خدا (ص) روایت می‌کنند که آن حضرت فرمود: إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى يَنْزِلُ كُلَّ لَيْلَةٍ جُمُعَةً إِلَى السَّمَاءِ الدُّنْيَا؛ به راستی که خداوند هر شب جمعه به آسمان دنیا فرود می‌آید، چیست؟ فرمود: لَعَنَ اللَّهُ الْمُحَرِّفِينَ الْكَلِمَ عَنْ مَوَاضِعِهِ؛ خداوند تحریف‌کنندگان سخنان از مواضع درستش را لعنت کند! به خدا سوگند رسول خدا (ص) چنین نفرمود؛ بلکه آن حضرت فرمود: إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَنْزِلُ مَلَكًا إِلَى السَّمَاءِ الدُّنْيَا كُلَّ لَيْلَةٍ فِي الثُّلُثِ الْأَخِيرِ وَ لَيْلَةِ الْجُمُعَةِ فِي أَوَّلِ اللَّيْلِ فَيَأْمُرُهُ فَيَنَادِي هَلْ مِنْ سَائِلٍ فَأَعْطِيهِ هَلْ مِنْ تَائِبٍ فَاتَّوَبَ عَلَيْهِ هَلْ مِنْ مُسْتَغْفِرٍ فَأَغْفِرَ لَهُ يَا طَالِبَ الْخَيْرِ أَقْبِلْ وَ يَا طَالِبَ الشَّرِّ أَقْصِرْ فَلَا يَزَالُ يَنَادِي بِهِذَا حَتَّى يَطْلُعَ الْفَجْرُ فَإِذَا طَلَعَ

الْفَجْرُ عَادَ إِلَى مَحَلِّهِ مِنْ مَلَكُوتِ السَّمَاءِ؛ به راستی خداوند تبارک و تعالی فرشته‌ای را در ثلث آخر هر شب و در شب جمعه از ابتدای شب، به آسمان دنیا فرو می‌فرستد و به او امر می‌کند که ندا سر دهد: آیا درخواست‌کننده‌ای هست که به وی عطا کنم؟ آیا توبه‌کننده‌ای هست تا توبه‌اش را بپذیرم؟ آیا استغفارکننده‌ای هست تا او را بیامرزم؟ ای جویای خیر به پیش آی و ای جویای شر دست بکش! فرشته پیوسته تا طلوع صبح چنین ندا می‌دهد. پس هنگامی که سپیده‌دم شود به جایگاه خود در ملکوت آسمان بازمی‌گردد. حَدَّثَنِي بِذَلِكَ أَبِي عَن جَدِّي عَن آبَائِهِ عَن رَسُولِ اللَّهِ ص؛ پدرم از جدش و او از پدرانش (ع) از رسول خدا (ص) این حدیث را برایم روایت کرد» (صدوق، ۱۳۷۸ق، ۱: ۱۲۶).

با توجه بافت زبانی روایت به نظر می‌رسد که تحریف‌کنندگان حدیث نبوی که به جسمانیت و اوصاف مادی و حسی چون حرکت و انتقال برای خداوند قائلند از فرقه مشبهه بوده‌اند که در زمان امام (ع) می‌زیسته‌اند. آنان با حذف بخشی از متن حدیث در صدد اثبات عقیده باطل خود، مبادرت به تحریف لفظی نموده و مرتکب جعل از نوع تحریف شده‌اند. از این‌رو، امام رضا (ع) با آگاهی از سنت ناب نبوی به ارائه متن اصلی حدیث پرداخته و بدین ترتیب علاوه بر مبارزه با پدیده تحریف به اعتقاد توحیدی صحیح مبتنی بر حدیث اشاره می‌نماید.

۵. نتیجه‌گیری

از آن‌چه گذشت به دست می‌آید که:

۱- یکی از آفت‌هایی که سنت- دومین پشتوانه استنباط احکام و معارف اسلامی- را در سده‌های آغازین اسلام مورد تهدید قرار داد، وضع و جعل حدیث بود که به دواعی و اسباب گوناگون صورت گرفت.

۲- در این راستا و در پی هشدار پیامبر اسلام (ص)، امامان شیعه از جمله امام علی بن موسی الرضا (ع)، به پیروی از او در این زمینه کوشیدند و در مراجعات مردمی گفتگوهای علمی خود با ره‌جویان حقیقت‌طلب، فقیهان، حدیث‌نگاران و حتی دستگاه خلافت و عالمان یهود و نصارا با پدیده جعل مبارزه نمودند و یاران خود را نیز به تلاش در این راه فراخوانده‌اند و با نگاهی ژرف و عمیق و ارائه راهکارهای شناخت حدیث موضوع، ها شیوه‌های مختلف به مبارزه با وضع و واضعان حدیث و پالایش روایات و جوامع حدیثی پرداختند.

۳- از رهگذر این بحث می‌توان مهمترین معیارها و نشانه‌های وضع را مخالفت حدیث با قرآن و سنت قطعی پیامبر (ص) و منقولات ائمه (ع) دیگر، همچنین مخالفت حدیث با مسلمات دینی و واقعیات و مسائل روزمره، مخالفت حدیث با عقل، خالی بودن کلام از حقیقت و نورانیت، اخذ حدیث از منابع نامعتبر و راویان نامعتبر دانست.

۴- از مهمترین راه‌های مبارزاتی امام رضا (ع) در مقابله با پدیده وضع حدیث و اضعان؛ برپایی حلقه‌های حدیثی و برگزاری مناظرات مختلف در بین اندیشمندان فرقه‌های مختلف، رویارویی و مبارزه با قصاصان، مبارزه با تفکرات غلوآمیز، معرفی و افشای جاعلان حدیث و مقابله با پدیده تحریف در احادیث به شمار می‌رود.

منابع

قرآن کریم.

ابن‌ادریس حلی، محمدبن‌احمد، السرائر، تصحیح: حسن‌بن‌احمد موسوی، قم، مؤسسه النشر الاسلامی التابعة لجماعة المدرسين، چاپ دوم، ۱۴۱۰ق.

ابن‌بابویه، علی‌بن‌حسین، الإمامة والتبصرة من الحيرة، قم، مدرسة الإمام المهدي (ع)، ۱۴۰۴ق.

ابن‌شعبه حرانی، حسن‌بن‌علی، تحف العقول، قم، جامعه مدرسین، چاپ دوم، ۱۴۰۴ق.

ابن‌طاووس، علی‌بن‌موسی، الإقبال بالأعمال الحسنة فيما يعمل مرة في السنة، محقق و مصحح: جواد قیومی اصفهانی، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۶ش.

_____، المجتنبی من الدعاء المجتبی، محقق/ مصحح: ابوطالب کرمانی و محمدحسن محرر، قم، دارالذخائر، ۱۴۱۱ق.

ابن‌غضائری، احمدبن‌حسین، الرجال (لایب الغضائری)، قم، دارالحدیث، ۱۳۶۴ش.

ابن‌فارس، احمدبن‌فارس، معجم مقاییس اللغة، قم، مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۴ق.

ابوالفتوح رازی، حسین‌بن‌علی، روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، تحقیق: محمدجعفر یاحقی و محمدمهملدی ناصح، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۴۰۸ق.

احمدبن‌حنبل، مسند احمد، بیروت، دار صادر، بی‌تا.

اله‌دادی دستجردی، رضا، سیدعلی حسین‌پور، و محمدجواد یاور. "تحلیل فقه‌الحدیثی روایات «فَطْرُس مَلَك»". مطالعات فهم حدیث ۹، ۱۸ (۲۰۱۴): ۱۴۱-۱۵۷. doi:10.30479/mfh.2023.17139.2120

بحرانی، سیدهاشم، البرهان فی تفسیر القرآن، تهران، بنیاد بعثت، ۱۳۷۴ش.

بستانی، فوادفرام؛ رضا مهیار، فرهنگ ابجدی، تهران، اسلامی، چاپ دوم، ۱۳۷۵ش.

پاینده، ابوالقاسم، نهج الفصاحة (مجموعه کلمات قصار حضرت رسول (ص))، تهران، دنیای دانش، چاپ چهارم، ۱۳۸۲ش.

ثقفی، ابراهیم‌بن‌محمد، الغارات أو الإستنفار و الغارات، محقق و مصحح: جلال‌الدین محدث، تهران، انجمن آثار ملی، ۱۳۹۵ق.

جعفری‌لنگرودی، محمدجعفر، ترمینولوژی حقوق، تهران، کتابخانه گنج دانش، ۱۳۸۸ش.

جوادی‌آملی، عبدالله، فلسفه الهی از منظر امام رضا (ع)، مترجم: زینب کربلایی، قم، اسراء، ۱۳۹۷ش.

حاجی‌زاده، یدالله. "غالیان دوره امام رضا (ع) و چگونگی برخورد آن حضرت (ع) با آن‌ها". تاریخ اسلام ۵۷ (۱۳۹۳): ۴۹-۹۲.

حرامعلی، محمدبن حسن، تفصیل وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة، قم، مؤسسة آل البيت (ع)، ۱۴۰۹ق.

حمیری، عبدالله بن جعفر، قرب الإسناد، قم، مؤسسة آل البيت (ع)، ۱۴۱۳ق.
خانمی مقدم، مہیار، و محمدتقی دیاری بیدگلکی. "تحلیل سندی و محتویاتی حدیث «قُولُوا فینا ما شِئْتُمْ...» با رویکردی به نفی غلو از ساحت اهل بیت (ع)". مطالعات فہم حدیث ۵، ۱۰ (۱۳۹۸): ۱۹۳-۲۱۰. doi:10.30479/mfh.2019.1674

راغب اصفہانی، حسین بن محمد، مفردات ألفاظ القرآن، بیروت، دار القلم، ۱۴۱۲ق.
سباعی، مصطفی، السنّة ومکانتها فی التشریح الإسلامی، بیروت، دار الوراق، ۱۴۱۹ق.
شہید ثانی، زین الدین بن علی عاملی، الرعاية فی علم الدراية، تحقیق: عبدالحسین محمدعلی بقال، قم، کتابخانہ آیت اللہ مرعشی نجفی، چاپ دوم، ۱۴۰۸ق.
صدرالدین شیرازی، محمدبن ابراہیم، شرح أصول الکافی، تہران، مؤسسہ مطالعات و تحقیقات فرہنگی، ۱۳۸۳ش.

صدوق، محمدبن علی، إعتقادات الإمامیة، قم، کنگرہ شیخ مفید، چاپ دوم، ۱۴۱۴ق.
_____، التوحید، محقق و مصحح: ہاشم حسینی، قم، جامعہ مدرسین، ۱۳۹۸ق.
_____، عیون أخبار الرضا علیہ السلام، محقق و مصحح: مہدی لاجوردی، تہران، جہان، ۱۳۷۸ق.

_____، من لا یحضرہ الفقیہ، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابستہ بہ جامعہ مدرسین حوزہ علمیہ قم، چاپ دوم، ۱۴۱۳ق.

صفار، محمدبن حسن، بصائر الدرجات، محقق: محسن کوچہ باغی، قم، کتابخانہ آیت اللہ مرعشی نجفی، چاپ دوم، ۱۴۰۴ق.

ضیاء العمری، اکرم، بحوث فی تاریخ السنۃ المشرفۃ، بغداد، مطبوعہ الارشاد، ۱۹۷۲م.
طبرسی، احمد بن علی، الإحتجاج، محقق: محمدباقر خراسان، مشهد، مرتضی، ۱۴۰۳ق.

طبری آملی کبیر، محمدبن جریر، المسترشد فی إمامة علی بن أبی طالب علیہ السلام، محقق/ مصحح: محمودی، احمد، قم، کوشانیور، ۱۴۱۵ق.

طوسی، محمدبن حسن، الامالی، قم، دارالثقافة، ۱۴۱۴ق.
_____، تہذیب الأحکام، محقق/ مصحح: حسن موسوی خراسان، تہران، دارالکتب

الإسلامیہ، چاپ چہارم، ۱۴۰۷ق.
عروسی حویزی، عبدعلی بن جمعة، تفسیر نور الثقلین، محقق/ مصحح: رسولی محلاتی، ہاشم، قم، اسماعیلیان، چاپ چہارم، ۱۴۱۵ق.

علی بن موسی، امام ہشتم (ع)، صحیفۃ الإمام الرضا علیہ السلام، کنگرہ جہانی امام رضا (ع)، مشهد، ۱۴۰۶ق.

عیاشی، محمدبن مسعود، کتاب التفسیر، تحقیق: سیدہ ہاشم رسولی محلاتی، تہران، چاپخانہ علمیہ، ۱۳۸۰ق.

فیض کاشانی، محمد محسن، نوادر الأخبار فیما یعلق بأصول الدین، محقق/ مصحح: مہدی انصاری قمی، تہران، مؤسسہ مطالعات و تحقیقات فرہنگی، ۱۳۷۱ش.

قرشی بنابی، علی اکبر، قاموس قرآن، تہران، دارالکتب الاسلامیہ، چاپ ششم، ۱۴۱۲ق.
کشی، محمدبن عمر، رجال الکشی - إختیار معرفة الرجال، مصحح: حسن مصطفوی، مشهد، دانشگاه

مشہد، ۱۴۰۹ق.
کلینی، محمدبن یعقوب، الکافی، محقق: علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، تہران، دارالکتب الإسلامیہ، چاپ چہارم، ۱۴۰۷ق.

- مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، بیروت، دار إحياء التراث العربی، چاپ دوم، ۱۴۰۳ق.
- مجلسی، محمدتقی، لوامع صاحبقرانی، قم، مؤسسه اسماعیلیان، چاپ دوم، ۱۴۱۴ق.
- مسعودی، عبدالهادی، وضع و نقد حدیث، تهران، سمت، چاپ دوم، ۱۳۸۹ش.
- معین، محمد، فرهنگ فارسی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۸۳ش.
- مفید، محمدبن محمد، الإختصاص، قم، المؤتمر العالمی لالفیة الشيخ المفید، ۱۴۱۳ق.
- نجاشی، احمدبن علی، رجال النجاشی، قم، جامعه مدرسین، چاپ ششم، ۱۳۶۵ش.
- واسطی بغدادی، احمدبن حسین، الرجال (لابن الغضائری)، مصحح: محمدرضا حسینی، قم، دارالحدیث، ۱۳۶۴ش.
- هاللی، سلیم بن قیس، کتاب سلیم بن قیس الهاللی، محقق: محمد انصاری زنجانی خوئینی، قم، الهادی، ۱۴۰۵ق.